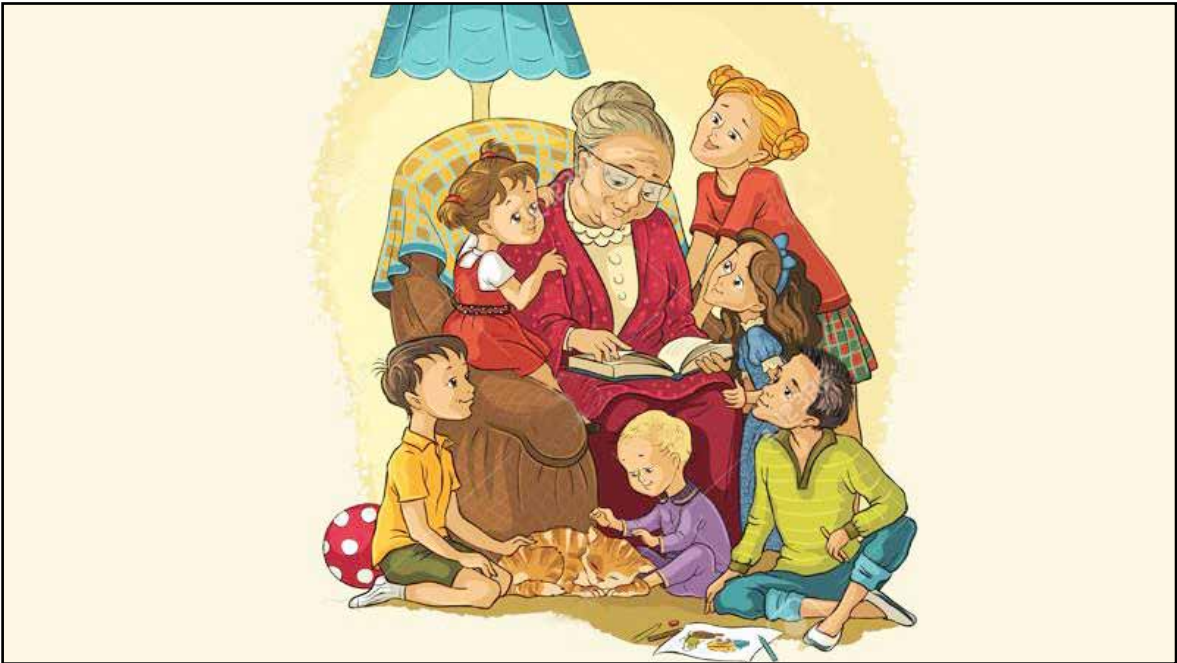


شب‌های بلند زمستان و میراثی که از یاد برده‌ایم:

جای خالی مادر بزرگ، جای خالی تر قسه‌ها

همه‌ما تحت تأثیر جادوی عبارت «یکی بود، یکی نبود» و «روزی روزگاری» قرار گرفته‌ایم. حتی وقتی بزرگ‌تر شده‌ایم، نتوانسته‌ایم خود را از جهان قصه و افسانه‌ها جدا کنیم. ماهمواره به قصه نیاز مندیم؛ زیرا قصه به ما توان تحمل جهان و سرگردانی‌هایش را می‌دهد. قصه‌هایی که می‌خوانیم، می‌شنویم یا در ذهن‌مان برای خودمان می‌سازیم، فاصله‌ای امن بین ما و دنیای بیرون که سرشار از ناامیدی و ناو ناکامی‌هاست، ایجاد می‌کند.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

می‌گیرد. اگر قصه‌گو مهارت داشته باشد، به سادگی و فقط با گفتن «روزی روزگاری» ما را اشغال و مغلوب می‌کند. این‌ها سخنان «جانان‌گاتشال» است در کتابی با عنوان «حیوان قصه‌گو». اگر تا به حال درباره این حیوان-انسان- تمابیری چون ناطق، ابزار ساز و... به کار برده می‌شد، اما گاتشال او را یک موجود قصه‌گویی نامد.

در آغاز قصه بود!

از زمانی که انسان‌های نخستین در گرد آتش کنار یکدیگر می‌نشستند تا غذایی را که شکار کرده بودند، بخوردند قصه‌گویی وجود داشته است. آن‌ها همچنان که در امنیت گرم‌او و روشنائی آتش، گوشت شکار می‌خوردند، چشم به دهن آنانی داشتند که داستان شکارشان را تعریف می‌کردند و حتماً این داستان‌ها برای بچه‌ها، نشان از جهانی شگفت‌انگیز داشت که هنوز آن‌ها توان و یا جرات پای گذاشتن در آن را نداشتند. افسانه و قصه‌های بعدی در طول دوران‌ها دل همین قصه‌های نخستین زاده شدند؛ قصه‌هایی که اگر چه پر از رمز و راز و نماد بودند؛ زندگی را به کودکان می‌آموختند و آنان را آماده ورود به بزرگسالی می‌کردند. رفته رفته، پیران هر قوم و قبیله این وظیفه را احساس کردند که راه و رسم زندگی و مقابله با سختی‌ها را به شکل قصه و افسانه برای کودکان و بزرگ‌روایت کنند. مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌های ما قصه‌گویان ماهری بودند و افسانه‌های قومی و ملی را برای مان نقل می‌کردند. همه‌ما تحت تأثیر جادوی عبارت

«یکی بود، یکی نبود» و «روزی روزگاری» قرار گرفته‌ایم. حتی وقتی بزرگ‌تر شده‌ایم، نتوانسته‌ایم خود را از جهان قصه و افسانه‌ها جدا کنیم. ماهواره به قصه نیاز مندیم؛ زیرا قصه به ما توان تحمل جهان و سرگردانی‌هایش را می‌دهد. قصه‌هایی که می‌خوانیم می‌شنویم یا در ذهن‌مان برای خودمان می‌سازیم، فاصله‌ای امن بین ما و دنیای بیرون که سرشار از ناامیدی و ناو ناکامی‌هاست، ایجاد می‌کند. ما با قصه گفتن و قصه‌شنیدن، به روح و روان خود استراحت می‌دهیم و آماده روزی دیگر و داستانی دیگر می‌شویم.

قصه‌گویی اصلا چیست؟

قصه‌گویی در اصل و به شیوه سنتی، این‌طور است که قصه‌گو در کنار بچه‌ها می‌نشیند، آن‌ها را المسم می‌کند، به چشمان‌شان نگاه می‌کند، در لحظه احساساتش را با آن‌ها شریک می‌شود، نیاز کودکان را به یمنی، پای صحبت‌های آن‌ها می‌نشیند، سوال‌های‌شان را پاسخ می‌دهد، با آن‌ها می‌خندد، می‌ترسد، می‌گریزد و بدین گونه قصه خود را به پایان می‌رساند. قصه‌گویی افکندن تارهایی لطیف میان قلب قصه‌گو و قلب ماست. در قصه‌ها کودکان این امکان را پیدا می‌کنند که خصلت‌های خوب باید شخصیت‌های داستانی را تجزیه و تحلیل کنند. خصلت‌هایی که در قصه‌هایی می‌شوند، غالباً محور قصه‌هایی می‌شوند، غالباً محور بی‌گناهی و بدی، زیبایی و زشتی، تلاش و تنبلی، جسارت و بزدلی، وفاداری و بی‌وفایی، کوچکی و بزرگی، شجاعت و غم، نادانی و باهوشی و بسیاری دیگر از

در قصه‌ها کودکان این امکان را پیدا می‌کنند که خصلت‌های خوب یا بد شخصیت‌های داستانی را تجزیه و تحلیل کنند. خصلت‌هایی که در قصه‌ها بیان می‌شوند مثل زیبایی و زشتی، وفاداری و بی‌وفایی، و... خصلت‌هایی متقابل اند و در واقع تضادهای این جهان را نشان می‌دهند

این صفات و خصلت‌های متقابل است. در واقع قصه‌ها و افسانه‌ها تضادهای این جهان را نشان می‌دهند. دنیای افسانه‌ها برای کودکان پذیرفتنی‌تر و کمتر ترسناک است. دنیای سیاه و سفید افسانه‌ها با علایم و نشانه‌های موجود در آن برای کودکان ملموس‌تر و قابل فهم‌تر است تا برخی اخبار رسانه‌های

امروزی. **جایگاه قصه در دنیای امروز** عده‌ای از بزرگ‌ترها؛ مادرها و پدرها و حتی کارشناسان تربیت کودک، فکر می‌کنند قصه و قصه‌گویی در عصر اینترنت کاربرد خود را از دست داده و برای همین از به کارگیری این نوع ادبی در رسانه‌ها و پرداختن به آن صرف‌نظر کرده‌اند. در حالی که قصه‌ها و افسانه‌ها در فرهنگ فولکلور یک قوم بازگو کنند احساسات، امیدها، آرزوها و درنهایت‌های آنهاست و اتفاقاً با استفاده

از فضای ارتباطی عصر جدید می‌توان فرصت‌ها و روش‌های تازه‌ای برای قصه‌گویی پیدا کرد. به رغم تصور والدین وطنی که فرزندان خود را به دست نامهربان اسمارت فون‌ها و صفحه‌های نمایشگر سپرده‌اند، در کشورهای اروپایی به هنر قصه‌گویی توجه فراوان می‌شود و تنها در کشورهای آلمانی‌زبان، هر سال بیش از ۱۰ جشنواره قصه‌گویی برگزار می‌شود که جشنواره «گراتس قصه می‌گوید» یکی از مهم‌ترین آن‌هاست.

زمانی که کودکان به داستانی گوش می‌دهند، با تجربه‌ها و احساس‌های شخصیت‌های داستان همدردی می‌کنند. این همدردی، به آن‌ها کمک می‌کند در ک بهتری از ترس و احساسات خود داشته باشند. کودکان در این داستان‌ها با ارزش‌ها و اخلاق آشنا می‌شوند و در ک‌شان از جهان هستی گسترش می‌یابد.

«رونو بتل‌هایم»، روان‌شناس امریکایی در کتاب «کاربردهای افسون»، با بررسی افسانه‌های جن و پری، فواید این قصه‌ها را به طور مفصل و با ارائه نمونه‌های عینی از قصه‌های جن و پری بررسی کرده است. مباحثی که او به آن‌ها پرداخته از این قرارند: نیاز کودک به جادو، خشنودی غیر مستقیم در برابر شناخت آگاهانه، اهمیت تجسم خارجی چهره‌ها و رویدادهای خیالی دگرگونی‌های خیال‌پروری درباره نامادری پلید، سامان دادن به آشفتگی دست‌یابی به هم‌بستگی و هم‌سازی شخصیت، وحدت بخشیدن به طبیعت دوگانه خویش و دست‌یابی به استقلال.

بی‌شک با جدا کردن و کندن کودک از دنیای قصه‌گویی، قدرت تخیل او را تضعیف می‌کنیم؛ زیرا قصه، کودک را به دنیای پر رمز و راز خیال‌پردازی می‌برد، و رونو بتل‌هایم در این باره چنین می‌نویسد: «در طول بخش عمده‌ای از تاریخ بشر، زندگی معنوی کودک پس از تجربه‌های نخستین در چارچوب خانواده، متکی بر اسطوره‌ها و قصه‌های دینی و افسانه‌های جن و پری بوده است. این ادبیات باعث تقویت قوه تخیل کودک و تحریک خیال‌پروری او می‌شده و به علاوه عامل مهمی در تربیت اجتماعی کودک به شمار می‌رفته است. اسطوره‌ها و افسانه‌های دینی نقش عمده‌ای در بالابردن سطح اندیشه کودک و تعیین آرمان‌های اجتماعی که هر کودک ممکن است خود را با الگوی آن همانند سازد، به عهده داشته‌اند.»

بتل‌هایم معتقد است افسانه‌های جن و پری قصه مرگ و زندگی را برای کودکان بیان می‌کنند و او را برای می‌دهد که حیات خود را وابسته به پدر و مادر نداند، بلکه به دنبال رشد و کمال باشد. به نظر او جز چند مورد نادر در میان ادبیات کودک کان، هیچ چیز به اندازه افسانه‌های جن و پری، کودک و

ما با جدا کردن مادر بزرگ‌ها و نوه‌ها، دو خطای بزرگ مرتکب شده‌ایم؛ اول هر دو طرف را از عشق و محبت اصلی که نیازمند آن هستند محروم کرده‌ایم و دوم و مهم‌تر این که بین فرزندان خود و گذشته تاریخی و قومی‌شان جدایی افکنده‌ایم

هم‌چنین بزرگسال را غنا نمی‌بخشد و خشنود نمی‌سازند؛ زیرا گرچه این افسانه‌ها سالیان دراز پیش از پیدایش جامعه امروزی به وجود آمده‌اند و بنابر این درباره جامعه امروزی چیزی ندارند که به کودکان بیاموزند؛ درباره مشکلات و مسائل درونی آدمیان و راه حل‌های این مسائل، از این افسانه‌ها به مراتب بیش از هر نوع قصه دیگر قابل فهم کودک، می‌توان آموخت. قصه‌های جن و پری برخلاف آن چه معمولاً تصور می‌شود، ویژگی‌های خاص و فوایدی منحصر به فرد دارند.

مادر بزرگ‌را پس بده!

بله، ما باید مادر بزرگ‌ها را به فرزندان‌مان بازگردانیم؛ کهن‌بانوانی را که میراث‌دار اندیشه، الگوها، رسوم و عادات و فرهنگ کهن‌مان هستند و ما با دور شدن از آن‌ها، نسل آینده‌رادر مفهومی عمیق از سنت‌ها و آیین‌ها و فرهنگ اصیل خود دور کرده‌ایم. ما در خانه‌های کوچک، دور از خانواده‌های مرجع خود، کودکان خود را به تبلت‌ها و گوشی‌ها سپرده‌ایم. آنان را به دستان نه چندان گرم و نه چندان متعدد و دوست‌داشتنی مربیان مهد کودک سپرده‌ایم؛ دخترهای جوان بی‌تجربه‌ای که تنها بلندنقصه «حسنی‌نگو به‌دست گل» را بارها و بارها برای فرزندان‌ما تکرار کنند بی‌آن که بتوانند بن‌مایه‌های یک فولکلور را درک کنند و آن را به فرزندان‌مان انتقال دهند. ما با جدا کردن مادر بزرگ‌ها و نوه‌ها، دو خطای بزرگ مرتکب شده‌ایم؛ اول هر دو طرف را از عشق و محبت اصلی که هر دو نیازمند آن هستند محروم کرده‌ایم و دوم و مهم‌ترین که بین فرزندان خود گذشته تاریخی و قومی‌شان جدایی افکنده‌ایم. امروزه کودکان ما، بیش از آن که پای صحبت و قصه‌گویی نواز شگرانه مادر بزرگ‌ها بنشینند، چشم‌به‌صفحه‌های نمایشگری دوخته‌اند که به آنان چیزهایی می‌دهند که ربطی به فرهنگ‌شان ندارد و در فردای بزرگسالی‌شان، نقشی گره‌گشا نخواهد داشت. مادر بزرگ‌های قصه‌گوی ما، بخشی از هویت فرهنگی ما هستند که ما با نادیده گرفتن آنان، فرصت بزرگ شدن به شیوه یک ایرانی و تجربه‌اندوژی برای زندگی در این جامعه را از فرزندان‌مان گرفته‌ایم.

از گوشه و کنار راه‌اندازی اتاق اسباب‌بازی در مدارس از اول بهمن



معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از راه‌اندازی اتاق اسباب‌بازی در مدارس ۱۰ استان به صورت آزمایشی از اول بهمن ماه خبر داد. رضوان حکیم‌زاده گفت: از ابتدای بهمن ماه این برنامه را در برخی از مدارس کشور به صورت پایلوت آغاز می‌کنیم. وی افزود: سناریوهایی را طراحی کردیم که به صورت هدفمند کدام موضوع در سی و مهارت‌ها از طریق بازی آموزش داده شود. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش بابیان این که هدف از راه‌اندازی اتاق اسباب‌بازی، صرف‌بازی و سرگرمی نیست، یادآور شد: هدف این است که از اسباب‌بازی به عنوان یک بستر مناسب برای آموزش و تربیت در دوران کودکی استفاده شود. حکیم‌زاده در پاسخ به این پرسش که آیا از ساعات درسی دانش‌آموزان برای حضور در اتاق اسباب‌بازی حذف خواهد شد؟ گفت: ما قصد داریم همان مفاهیم درسی از طریق بازی آموزش داده می‌شود به عنوان مثال مفهومی در درس علوم از طریق بازی به بچه‌ها منتقل می‌شود که لزوماً به معنای حذف ساعت یک درس نیست بلکه آموزش به شیوه‌ای مبتنی بر بازی است. وی درباره خرید تجهیزات و اسباب‌بازی برای مدارس پایلوت گفت: سعی می‌کنیم به لحاظ امکانات مدرسی را که در طرح آزمایشی قرار می‌گیرند تجهیزات و اسباب‌بازی نیاز دارند، تامین کنیم.



دیده‌بان آزار؛ مجالی برای گزارش زخم‌های خیابانی



آزار خیابانی تجربه‌ای ناخوشایند است که بسیاری را فرای جنسیت به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ تجربه‌ای تلخ، ولی فراگیر که کمتر شهروندی از آن درمان مانده است. در تابستان سال ۱۳۹۷، تارنمای <https://harasswatch.com> راه‌اندازی شد تا واسطه‌ای باشد برای طرح مسئله به صورت گسترده و گفت‌وگوی عمومی در زمینه آزار و اذیت زنان و دیگر گروه‌های به حاشیه‌رانده شده در شهر. گردانندگان این تارنما، مردمی خواهند که سکوت را بشکنند و روایت خود را در دیده‌بان آزار ثبت کنند. در برنامه دیده‌بان آزار آمده است: «از فقدان آموزش‌های ضروری در مدارس، در حالی که رسانه ملی دغدغه‌های مردمی را نادیده می‌گیرد و واقعات جامعه ایرانی را انعکاس نمی‌دهد، در فضایی که تفکیک جنسیتی و راندن زنان به حوزه خصوصی به عنوان تنها راه حل تأمین امنیت معرفی می‌شود برای مبارزه با بلای‌ها و کلیشه‌هایی آسیب‌زا که این گونه مارا در مقابل یکدیگر و در موقعیت نابرابر قرار می‌دهد، راهی به جز شکستن سکوت و گفت‌وگو نداریم.»

رئیس سازمان بهزیستی اعلام کرد:

اجرای طرح لبخند مهر بانی با

اولویت استان‌های کم‌برخوردار

رئیس سازمان بهزیستی از اجرای طرح «لبخند مهر بانی» در زمستان» برای تهیه لباس گرم کودکان مناطق کم‌برخوردار خبر داد. انوشیروان محسنی بندپی در مراسم پوشش لبخند مهر بانی زمستانه گفت: در این طرح هدف ما تهیه لباس گرم برای کودکان مناطق کم‌برخوردار است که از مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد نیز استفاده می‌کنیم. وی با اشاره به این که از آخرین تقاضای کم‌برخورداران اقدام خبر مانند همیشه همراه بهزیستی باشند، گفت: شرایطی را فراهم می‌کنیم تا اقدامات نیکوکارانه خبرین راحت‌تر انجام شود. بندپی هم‌چنین با تاکید بر اولویت مناطق محروم گفت: در این طرح زمستانه، لباس گرم و وسایل گرمایشی برای کودکان و نیازمندان مناطق محروم در نظر گرفته می‌شود. وی پوشش لبخند مهر بانی از ۱۹ آذرماه تا ۱۹ دی‌ماه اجرا می‌شود. وی با اشاره به این که سازمان بهزیستی از طریق روش‌های مختلف نسبت به جمع‌آوری مشارکت‌های مردم اقدام کرده است، گفت: با راه‌اندازی نرم‌افزار سکه‌و نرم‌افزار آب، شماره حساب ۹۰۱۹۰ سازمان بهزیستی، دستگاه‌های خودپرداز تمامی بانک‌های کشور، نیکوکاران می‌توانند برای کمک اقدام کنند.

یادداشت

چگونه بدون درد، پول خرج کنیم!

دکتر مجتبی لشکر بلوکی

زمانی که می‌خواهید چیزی بخرید، شما احساس درد می‌کنید. حالا می‌خواهید یک پیتزا باشید یا یک لباس بایلیت یک کنسرت. درد پرداخت یا درد ناشی از پرداخت، پدیده‌ای شناخته شده در علم «اقتصاد رفتاری» است. همان‌طور که از اسمش معلوم است، مربوط به زمانی است که ما پرداخت مالی انجام می‌دهیم. آزمایش‌ها ثابت کرده‌اند هر زمان که پرداختی انجام می‌دهیم، دچار یک درد ذهنی می‌شویم. همه ما با درد های فیزیکی مانند مصدومیت، دل‌درد، سوختن و شکستن دست و... آشنا هستیم. عکس برداری عصبی و ام.آر.آی نشان می‌دهد در زمان پرداخت دقیقاً همان قسمت از مغز تحریک می‌شود که در زمان درد فیزیکی تحریک می‌شود.

چگونه کمتر در بکشیم؟

فرمول طلایی درد چنین است: درد پرداخت = زمان + توجه؛

الف) فاصله بین زمانی که پول را پرداخت می‌کنیم و زمانی که محصول را مصرف می‌کنیم در میزان درد مهم است. در حالتی که مصرف و پرداخت پول هم‌زمان نشوند، لذت به شدت افت می‌کند. اما زمانی که این دو از هم جدا شوند، لذت به شدت زیادی به پرداخت نمی‌کنیم. به طور کلی ما سه حالت مختلف داریم: ۱. پرداخت پول قبل از استفاده از کالا یا خدمات؛ زمانی که قبل از مصرف پول را پرداخت می‌کنیم، در زمان مصرف معمولاً دردی را احساس نمی‌کنیم. به عنوان مثال یک فروشگاه اینترنتی پیشنهاد می‌دهد به ازای ۲۰۰ هزار تومان، تمامی سفارش‌های ما را برای یکسال رایگان ارسال کند و هزینه حمل و نقل نگیرد. ما می‌دانیم که اگر سال رایگان نیست، تنها هزینه را اول به صورت یک‌جا از مادر بافت کرده است. در واقع آن فروشگاه اینترنتی سعی کرده تا درد پرداخت هزینه حمل و نقل را برای مادر زمان خرید کم کند و ما خرید بیشتری انجام دهیم. ۲. پرداخت پول هم‌زمان با استفاده از کالا یا خدمات؛ پرداخت هزینه در حالی که

داریم کالایی را مصرف می‌کنیم، نه تنها باعث می‌شود که مادر در پرداخت راحت‌تر کنیم، بلکه لذت مصرف را هم از بین می‌برد. ۳. پرداخت بعد از استفاده از کالا یا خدمات؛ زمانی که ما پول را در آینده پرداخت می‌کنیم، درد کمتری احساس می‌کنیم. حتی در بعضی مواقع احساس می‌کنیم که الان کالا را رایگان است. استفاده از کارت‌های اعتباری دقیقاً به همین دلیل روان‌شناختی هست که درد پرداخت را در زمان خرید کم می‌کند. در واقع کارت اعتباری بین زمان خرید و زمان پرداخت فاصله می‌اندازد (ب). اما حالا فاکتور دوم، یعنی توجه، به غیر از عامل زمان پرداخت، مساله توجه هم در میان است. هر چه بیشتر به پرداخت فکر کنیم، بیشتر احساس درد می‌کنیم. گاهی اوقات آن قدر به پول غذا، لباس، کنسرت، کلاس و تفریح و... فکر می‌کنیم که لذت آن را به کلی از دست می‌دهیم.

تحلیل و تجویز راهبردی:

حالا ممکن است نتیجه‌گیری کنید که ما باید زمان پرداخت و زمان مصرف را هم جدا کنیم و توجه (تمرکز) هم روی پول دادن نداشته باشیم. جواب کاملاً منفی است. ما از این ویژگی ذهنی باید به خوبی استفاده کنیم. گاهی اوقات باید درد پرداخت را

اضافه کنیم و گاهی درد پرداخت را نه. مثال می‌زنم: مثلاً تصمیم گرفتاید دیگر سیگار و قلیان نکشید و پیتزا نخورید. بهترین کار افزایش درد پرداخت است. سعی کنید روی پرداخت‌تان توجه ویژه کنید و حساب کنید که با این پول چه کار دیگری می‌توانستید بکنید و این که اگر یک سال پول سیگار و قلیان و پیتزا را تا آن جمع می‌کردید چه کار می‌توانستید بکنید؟ سیگار تا آن اندازه نایب‌خرد نیست که با پکتی (وقتی پکتی می‌خرید بین زمان پرداخت و زمان مصرف فاصله می‌افتد و درد پرداخت راحت‌تر نمی‌کنید). در عوض خانواده را به یک پارک یا یک سفر تفریحی برده‌اید. آن جاهد اصلی ما کم‌تر کردن لذت است. نه خودتان به پرداخت تمرکز کنید و نه هیچ وقت راجع به هزینه‌ها به خانواده چیزی بگویید. چون میزان لذت را به شدت کاهش می‌دهد. بعدها وقتی به خانه برگشتید و زمان گذشت می‌توانید هزینه‌ها را به تنهایی یا با هم و جمعی آنالیز کنید و برای سفرهای بعدی تصمیم بگیرید که چگونه هزینه‌ها را مدیریت کنید. زمانی که مصرف انجام شده و لذت‌ها را برده‌اید. هدف شادکامی بلندمدت است، بنابراین باید در کوتاه‌مدت و تصمیمات روزانه هوشمندانه بین درد یا لذت کوتاه‌مدت سوئیچ کنیم.